

ثمرات روح (غلاطیان ۵ : ۱۳ - ۲۵)

مسیحیان بوسیله اعمال خوبی که انجام می دهند نجات نمی یابند ،
اعمال نیکوی آنان در واقع ثمرات ایمان آنان است و در پس نجات
در انسان پدید می آید .

دوست شنونده اشتیاق ذاتی و فطری انسان آزادی و رهایی است .
در پایان فیلم شردل، مبارز میهن پرست قرن سیزدهم اسکاتلندی ،
ویلیام والاس هنگامی که توسط انگلیسیها شکنجه و اعدام میشد ،
در آخرین فریاد دفاعیه خویش ، فقط در یک کلمه کوتاه ولی عمیق
گفت " آزادی " . در قرن بیستم این کلمات روحانی از سیاه
پوستان قدیمی بر سنگ قبر یک آزادبخواه شهید بنام دکتر مارتین
لوتر کینگ نوشته شده است : " بالاخره آزادی " .

اما با وجود تمایل قلبی و نمادین ما برای رستگاری ، انسانها
واقعاً آزاد نیستند . در واقع بسیاری از مردم از نقصان آزادی
سیاسی یا اجتماعی و مدنی رنج می برند . آنان برای اداره
امور خویش آزاد نیستند ، برای گفتن اعتقاداتشان آزادی لازم را
ندارند ، یا برای انتخاب نوع زندگی خویش آزاد نیستند ، یا
آزادی در انجام امور مذهبی ندارند . اما در دنیای ما انواع
دیگری از اسارت و قید و بند هم وجود دارد ، چیزهای زیادی که
باعث می شوند ما آزاد و رها نباشیم . بعضی از این اسارتها در
اثر جهل و نادانی است ، برخی از فقر ، بعضی از ستم و بیداد
اجتماعی ، بعضی از ترس ، برخی از احساس گناه و تقصیر ، یا
ترس از گذشته و یادآوری خاطرات آن . خیلی از مردم تحت سیطره
انگیزه ها و خواسته های خویش هستند . روانشناسی به نام
جراهدمای در مورد اسارت و اعتیاد روحی و روانی مطالب جالبی
برشته تحریر در آورده است که برخی از آنها عبارتست از :

اعتیاد عبارتست از یک ... نیروی شکست دهنده خود که به آزادی
ما تعدی و ظلم روا داشته و آنرا بد بکار می برد و ما را
وادار به انجام کاری می کند که در واقع نمی خواهیم که آنرا
انجام دهیم

... اعتیاد خواسته های ما را به عادات مشخص، اشیاء و چیزها و
یا مردم پیوند می زند. این چیزها، ... سپس بصورت قوانین زندگی
در می آیند ... همه ما از اعتیاد و عادات مستمر رنج می بریم ...
همان فرایندی که مسئول اعتیاد به الکل و مواد مخدر است بر
اعتیاد ما به اعتقادات، کار، ارتباط ، قدرت، احساسات
وحالات، سرگرمیها و گروه بیشماري از چیزهای مختلف دیگری نیز
حاکم است .

(بر گرفته از کتاب : اعتیاد و فیض)

دوست عزیز کتابمقدس کمبود ما را از آزادی در مسائل روحانی
شرح می دهد . بنابر فرمایش کتابمقدس ، در دنیایی متولد شده ایم

که تحت اسارت گناهان است . ما نیز قسمتی از این آیه هستیم (کولسیان ۱ : ۱۳) که می گوید " ملکوت ظلمت " . بنا بر گفته کتاب مقدس ، هر انسان برای " مرگ در خطا ، عصیان و گناه " دنیا می آید و طبیعت و عادت زندگی ما به زیبایی در رساله پولس به افسسیان ۲ : ۱ بیان شده است . اسارت و بردگی دیگر قسمتی از زندگی و تجربیات روزمره ما نیست ، بر خلاف آنچه که برای مردم دنیای باستان بود . می توان گفت که ما برده گناه و شرارت بودیم درست از زمانی که پا به این جهان گذاشته ایم و در واقع نطفه ما با گناه بسته شده است .

واقعا این موضوع به چه معناست ؟ خوب ، می شود گفت که منظور این نیست که ما قربانیان کاملاً بی گناه و بی یاور هستیم ، یا اینکه هیچ چیز خوب نمی توانیم که انجام دهیم ، و یا اینکه ما مسئول هیچ کدام از اعمال و واکنشهایمان نیستیم . آنچه که مد نظر است ، اینست که طبیعت و جوهره انسانی ما تمایل و انحراف به شرارت و شیطان دارد . آنچه در نماد ما وجود دارد و در اخلاقیات ما بچشم می خورد " خوب " یا حتی " طبیعی " نیست . بلکه خمیره ذات ما در " گناه " است که ما را از تولد تا به مرگ بدنبال خویش منحرف می سازد و پطرس در رساله اول خویش باب ۱ آیه ۱۸ بیان کرده است . این تمایل به پیروی از طبیعت تاریک و زشت انسان و نیز نیروهای تیره و تاری روحانی عمل کننده در این دنیا ، توضیحی برحقیقت پس پرده نیروهای وحشتناک و اسرار آمیز و نفرت انگیز شریر و شیطان در دنیای ما و زندگی ماست .

آزادی در مسیح

اما دوست من ، مسیحیان آزاد هستند . این یکی از مهمترین دلایلی است که باعث می شود انجیل خیر خوش باشد بر خلاف طبیعت ذاتی گناه آلود همگی ما ، در مسیح ما بوسیله قدرت لایزال فیض خدا آزاد شده ایم . " بجهت آزادی است که مسیح ما را آزاد فرموده است " . پولس این موضوع را به روشی در ابتدای باب ۵ رساله به غلاطیان ذکر کرده است . همچنین او بنحوی دیگر در رساله به کولسیان ۱ : ۱۳ این موضوع را ذکر کرده است . ما آزاد هستیم زیرا از تمام قدرتهای تاریکی و شریر آزاد و احیا شده و نجات پیدا کرده ایم . مسیحیان مانند گروهگانی هستند که در نتیجه یورش یک نیروی حیرت انگیز و ویژه رهایی بخش کاملاً آزاد و رها گردیده اند . خدا خود منجی و مددکار ما است . او پسرش عیسی را بسوی قلمرو تحت حاکمیت شیطان فرستاده تا با دشمن ، جنگیده و جایزه آزادی ما را در صلیب بدست آورد .

شنونده عزیز آن آزادی که انجیل توسط ایمان برای عادل شمرده شدگان پدید می آورد ، دو جنبه دارد : اول این آزادی ، رهایی است از الزام و قید و بند گناه و نیروی اتهام و تقصیر ، و شریعت و حاکمیت و قانون شیطان . اما آزادی مسیحیان همچنین آزادی است از عدالت ، طبق شریعت . این آزادی رهایی از شایستگی بر اساس مذهب است ، رهایی است از قوانین دست و پاگیر و تشریفات و اعمالی که به ظاهر رستگاری را به ارمغان می آورد ، آزادی است از هرگز خوب نبودن به اندازه کافی ، برای بدست

آوردن اجازه و تایید خدا . آزادی در این حالت نوازشی تسکین دهنده از برکت خداست . هنگامی که ما بپاد می آوریم خدا ما را همانگونه که هستیم دوست دارد نه بخاطر اینکه ما چه هستیم ، و اینکه ما از تردید و شک آزاد هستیم از خجالت و شرم ، از عقده ها و تفکرات منفی قوی ، از اضطراب و جبر یا هر آنچه که آرامش ما را نابود می سازد .

اما علاوه بر اینها ، آزادی در مسیح همچنین آزادی است برای : انجام نیکویی و مقدس بودن . ما دیگر مجبور به انجام خوبی برای عادل بودن نیستیم . اما این بدین معنا نیست که ما می توانیم نسبت به عادات شخصی و رفتار خویش لاقید و لاپای باشیم . بلکه بر عکس ، ما موکداً خوبی و خوب بودن را تعاقب می کنیم ، برای اینکه خدا را جلال بدهیم برای هدایای بخشش و نجات که ما بخشیده است . بدون داشتن اجبار بر تقلا و عذاب کشیدن بر اینکه آیا ، تا بحال با اندازه کافی شایستگی از دید مذهب بدست آورده ایم یا خیر ، ما برای خدمت شادمانه خدا کاملاً آزاد هستیم . آزادی در مسیح ، آزادی برای اطاعت است . آزادی برای مذهب است ، و در و رای همه چیز آزادی برای محبت و عشق به دیگران ، همانگونه که خدا ما را محبت فرموده است . مارتین لوتر پیمان و قرارداد معروفش در مورد آزادی مسیحی را اینگونه آغاز می نماید : " من این دو موضوع را در عمل پیاده می کنم بر پایه آزادی و وابستگی روح : يك انسان مسیحی يك ارباب آزاد است ، و وابسته به هیچ چیز نیست . يك مسیحی خادمی کاملاً وظیفه شناس و پر مسئولیت برای همه است و وابسته به هرکس است " در این دو قرار داد و پیمان مساوی اما متضاد مارتین لوتر درست همان چیزی را می گوید که پولس رسول در کتاب غلاطیان تعلیم داده است : (غلاطیان ۵ : ۱۳ - ۱۴ خوانده شود)

دو راه متفاوت

ما مباحثات پولس را در کتاب غلاطیان بصورت دقیقی بررسی و دنبال کرده ایم . اهتمام اصلی و پایه ای او برای بی اثر کردن تعالیم معلمین دروغین یهودی بوده است ، با تأکیدی قانونی بر اهمیت به نمایش گذاشتن اعمال شریعت برای نجات . او این کار را بوسیله تأکید بر اینکه انجیل اعلام می دارد عدالت بوسیله فیض و بوسیله ایمان به این فیض است ، انجام می دهد . با این نکته (باب ۵) خواننده می تواند با فهم مطلب مذکور توسط پولس کاملاً بی تفاوت و بی اعتنا باشد . اما اشتباه معمولاً با دو راه منناقض پیش می آید . اشتباه مخالف تفکر رستگاری از راه شریعت و قانون ، قانون گریزی و فرار از قانون یا تناقض دو اصل است . قانونگرایی مغرط با رستگاری از راه شریعت - تلاش برای بدست آوردن شایستگی نجات بوسیله نگاه داشتن احکام و قوانین شریعت - يك اشتباه مرگ آور است . اما از طرف دیگر قضیه ، حالت و چگونگی مخالفت و سر پیچی با قانون روی همرفته ، و زندگی با بی تفاوتی و لاپای گری انسان را بطرف گناه و خطا سوق می دهد . پولس به این اشتباه هم مانند دیگر اشتباهات اشاره و اهتمام دارد . بنابراین در رساله به غلاطیان باب ۵

او دوباره به توجه بر خطر ایجاد شده در قانون گریزی میل و سوق پیدا می کند . یک نویسنده مسیحی بزرگ می گوید که " آزادی مسیحی آزادی از گناه است ، نه آزادی بر گناه " .
دوست من در مقام گسترش موقعیت آزادی مسیحی ، پولس رسول به ما حقیقت زندگی مسیحی را معرفی می نماید . مسیح ما را از گناه آزاد فرموده است ، پولس به این موضوع در رساله اش به غلاطیان ۵ : ۱ بخوبی اشاره می کند . اما این پایان موضوع نیست . واقعیت آزادی ما از گناه اینستکه ، باید مستمراً با عادات و اعمال گناه آلود خویش تا حصول پیروزی بجنگیم . حقیقت زندگی مسیحی اینستکه زندگی روحانی پر ستیزه ، نه تنها با نیروهای خارجی شیرانه می جنگد ، بلکه نیز ستیزه ای است در درون ما . بعضی از مردم تعجب می کنند از اینکه می فهمند ستیزه و جنگ روحانی وقتی مسیحی می شویم تمام نمی شود ؛ در حقیقت، جنگ از زمانی که سکونت و جای گرفتن روح القدس در ما شروع می شود و در طبیعت گناه آلود ما کار می کند ، بیشتر می شود . بعضی از مسیحیان تعلیم می دهند که این کشمکش در طول زمان کاهش می یابد ، زمانی که ایمانداران قدوسیت بیشتری پیدا کرده و بیشتر توسط روح پر و هدایت می شوند ، و اینکه حتی می توانند در این جنگ در زندگانی پیروز شوند بوسیله دست یافتن کاملیت در اخلاقیات . اما آن مسیحیان که هم در کلام خدا و هم در طریق دل انسان عاقلتر و داناتر هستند ، بیشتر و بهتر می دانند . روزی مردی به واعظ معروف چارلز اسپورجون می گوید که در دو ماه گذشته کاملاً ، بی گناه زندگی کرده است . اسپورجون نگاهی بوی می اندازد و پنجه پای وی را لگد می کند ، در نتیجه جوابی را استنباط می کند که متداوماً تصویر کمال را برای خود آن مرد تغییر و تخفیف می دهد . خیر نبرد روحانی درونی ما یک واقعیت است ، و برای همه عمر ادامه دارد .

ما خود را به عنوان فرد مسیحی در موقعیتی می بینیم که از این دو نیروی متفاوت استفاده کنیم . پولس در آیات ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ باب ۵ این موضوع را با قدرت بیان می کند . البته مسیحیان تنها مردمی نیستند که در مورد تجربیات کشمکش اخلاقی صحبت می کنند . اما آنچه که وجه تمایز تعالیم مسیحی است در این نکته است که اولاً این مشکل را تجربه و تحلیل می کنند . کشمکش بین طبیعت پست تر و عالی ترما نیست ، یا خود بهتر و بدتر ما ، یا هوش و تمایلات ما ، یا بین بدن و روان ما (آنطور که یونانیان قدیم معتقد بودند) ، یا بین گذشته و آینده ما (طبق پیشنهاد روانکاوان نوین) . برای مسیحیان ، مبارزه اصلی بین جسم ما و روح خداست ، بین طبیعت کهنه ما آنچه که عهد جدید آنرا "جسم" می نامد - و طبیعت نوین که روح القدس است ، می باشد ، همان روحی که در ما ساکن است و به ما شکل و جهت می دهد .

تمایز دیگر اعتقاد مسیحی در این مورد نگرش مسیحیت در مورد اخلاقیات در این نبرد است : برنده شدن نه فقط بوسیله تلاش مضاعف اخلاقیات یا مقدار بیشتر نیروی اراده ، بلکه فقط از طریق اعتماد و تکیه بر قدرت روح القدس . در قرن نوزدهم سلاحها گسترش زیادی پیدا کردند اما راهبرد نظامی نمی توانست ضامن بقای

صلح باشد، نظامی گری پروزی اش را در حمله بدست می آورد . در قرن بیستم تفکر در این بود که آنان چه احتیاج دارند تا پروز شوند در حمله تاریخی جان کیگان این مطلب هست " سلاحهای قویتر و مردان شجاعتر". نتیجه این تفکرات وحشیانه جنگ جهانی اول بود. فرماندهان نظامی اشتباه فکر می کردند و آنچه که آنان احتیاج داشتند ، یک راهبرد جدید و یک روش متفاوت مبارزه بود . در مورد کل نسل بشر نیز اینگونه است . ما هرگز نخواهیم توانست مشکلات غامض اخلاقی خویش را با مردمی بهتر یا نیروی اراده قویتر حل نماییم . آنچه ما احتیاج داریم یک روش نوین مبارزه است . گناهان کثیف و زشت ما در درون زندگیمان و در جوامع ما کاملاً مغلوب خواهند شد به اینکه ما برای پیشرفت خویش دست و پا بزنیم . دوست عزیز این اصلاح و پروزی در مبارزه زمانی اتفاق خواهد افتاد که ما با روح القدس زندگی کرده و از او هدایت بیابیم ، و در هر قدم در هر روز با وی همراه باشیم ، که تحت قدرت روح خدا زندگی می کنند. پولس پولس در خاتمه این طور می گوید : (غلاطیان ۵ : ۱۸ - ۲۶) .